

### حسین مطوری

استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد بین  
المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی،  
خرمشهر، ایران. (نویسنده مسئول)  
hsn\_matoori@yahoo.com

### چکیده

شناخت نسبت به اسرار و اعجاز قرآن می‌تواند رهنمونی برای جوامع بشری باشد و یکی از راه‌های رسیدن به این شناخت مطالعه در آیات کلام الله مجید با رویکردهای علمی جدید می‌باشد. این جستار در نظر دارد بر پایه کنش‌گفتاری آستین و سرل به تحلیل انواع کنش‌ها در یکی از سوره‌های مکی یعنی سوره مبارکه مرسلات بپردازد. سوره مرسلات در جز بیست و نهم قرآن کریم قرار دارد و دارای ۵۰ آیه می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای و رویکرد تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نتایج این جستار نشان می‌دهد پرکاربردترین نوع کنش در این سوره مبارکه کنش تعهدی از نوع قسم، تهدید، و وعده می‌باشد. کنش‌های اظهاری و ترغیبی به ترتیب بسامد وقوع کمتری داشته‌اند. شش مورد آیه استفهامی نیز در این سوره بکار رفته‌اند که طبق الگوی بدرالدین زرکشی تحلیل شده‌اند. همچنین موقعیت زمانی و مکانی این سوره و ماهیت مضمون و موضوع این سوره یعنی روز قیامت باعث شده کنش تعهدی مخصوصاً تهدید در این سوره بیشتر بکار رود. کاربرد کنش‌های گفتاری و تلفیقی و چینش آنها در کنار یکدیگر در آیات این سوره بیانگر دقت و ظرافت حکیمانه کلام وحیانی در بکارگیری آنها به زیباترین و شیواترین طریق ممکن برای تبیین روز قیامت می‌باشد.

### واژگان کلیدی:

سوره مرسلات، کنش گفتاری، جان آستین

## ۱. مقدمه

در اواسط قرن بیستم، آرای کارگفت<sup>۱</sup> جان آستین<sup>۲</sup> تأمل بزرگی در علم فلسفه، معناشناسی، زبان‌شناسی و علوم مرتبط با این رشته‌ها ایجاد کرد. آستین فیلسوف انگلیسی مکتب آکسفورد، در مقاله‌ای بتا عنوان «چگونه با کلمات کار انجام دهیم»<sup>۳</sup> توانست آرای دانشمندان فلسفه و زبان را به خود جلب کند و نظریه‌ای متفاوت را مطرح سازد. جان آستین بیان کرد که کاربرد جملات در فلسفه و منطق بر پایه‌ی صدق و کذب است، درحالی‌که ما از زبان و جملات برای انجام کارهای دیگر نیز استفاده می‌کنیم و کاربرد جملات و زبان تنها در صدق و کذب آن‌ها خلاصه و تعبیر نمی‌شود، بلکه عملکردی فراتر از آن دارند. او همچنین برخلاف اثبات‌گرایان منطقی آن زمان اعتقاد داشت که کارکرد زبان صرفاً اطلاع‌رسانی نیست و اساس جملات زبان، تنها جملات خبری نیست، بلکه با کاربرد آن‌ها کار نیز انجام می‌شود؛ یا به اصطلاح کاربرد زبان می‌تواند عمل یا کنشی را ایجاد کند. آستین همچنین اعتقاد داشت که ارزش صدق پاره‌گفت‌های زبان همیشه قابل‌تعیین نیست (صفوی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵)؛ به‌عنوان مثال، جملاتی مانند «دو کیلو پنیر لطفاً!»؛ «واقعاً؟»؛ «سلام!»؛ «اُه خدای من!»؛ «اون سفیده رو بده» و «بخشید!» الزاماً کنشی نیستند و شامل جملات تعجبی، پرسشی، امری و عاطفی نیز هستند. در مقابل، جملاتی از قبیل ۱. «من (بدین‌وسيله) قول می‌دهم درس بخوانم»؛ ۲. «من این ساختمان را "قصر طلایی" نام‌گذاری می‌کنم»؛ ۳. «من هشدار می‌دهم که اگر یک‌بار دیگر تأخیر کنید، اخراج می‌شوید»، پاره‌گفت‌های کنشی<sup>۴</sup> هستند؛ یعنی با به زبان آوردن این جملات، عمل یا کنش قول دادن، نام‌گذاری و هشدار صورت می‌گیرد.

جان آستین شرایط صدق و وقوع چنین جملاتی را منوط به شرایط خاصی می‌داند که آن را شرط اقتضایی<sup>۵</sup> (کارایی) می‌نامد که یا بجاء هستند یا نابجا؛ یعنی هنگامی که من می‌گویم: «من شما را به یک سال حبس محکوم می‌کنم»، این جمله در شرایطی کارایی دارد که من یک قاضی باشم و این جمله را در دادگاه بیان کنم؛ یا مثلاً جمله‌ی «من این ساختمان را قصر طلایی می‌نامم»، در صورتی می‌تواند تغییری در جهان بیرون ایجاد کند که من معمار یا مالک آن ساختمان باشم (سعید، ۲۰۱۱، ص ۲۳۳-۲۳۹).

جان آستین پاره‌گفت‌ها را بر اساس شرایط اقتضایی به سه کنش تقسیم‌بندی می‌کند: ۱. کنش بیانی<sup>۶</sup>، ۲. کنش منظوری<sup>۷</sup> و ۳. کنش تأثیری<sup>۸</sup>. برخی از زبان‌شناسان در زبان فارسی، معادل مورد

- 1- Speech Act
- 2- John Austin
- 3- How to do things with words
- 4- performative utterance
- 5- felicity condition
- 6- felicitous
- 7- infelicitous
- 8- locutionary
- 9- illocutionary
- 10- perlocutionary

دوم را کنش غیربیانی یا کارگفتی و مورد سوم را کنش پس‌بیانی، پس‌بیانی یا القایی نیز می‌نامند؛ به‌عنوان مثال، به پاره‌گفت ذیل توجه کنید: ۴. «این اتفاق سرد است.»

الف. تولید این پاره‌گفت یک نوع کنش بیانی است؛ یعنی شما چنین قصد و منظوری دارید؛ ب. اثری را که تولید این جمله بر مخاطب می‌گذارد، کنش منظوری می‌گویند. در مباحث کارگفت‌های آستین بیشتر به مورد دوم، یعنی کنش منظوری توجه می‌شود و مخاطب قصد و منظور شما یعنی سرد بودن اتفاق را درک می‌کند.

پ. واکنشی را که مخاطب نسبت به این پاره‌گفت نشان می‌دهد، کنش تأثیری می‌نامند؛ یعنی مخاطب در نتیجه‌ی بیان این پاره‌گفت برمی‌خیزد و پنجره را می‌بندد. آستین همچنین این پاره‌گفت‌ها را به دو گروه صریح و ضمنی نیز تقسیم می‌کند: ۵. «من بدین‌وسیله شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم.»

آستین پاره‌گفت‌هایی را که در آن‌ها صریحاً از ضمیر اول شخص «من» به‌عنوان فاعل، افعال کنشی را از قبیل قول دادن، شرط بستن، هشدار دادن، نام گذاشتن، محکوم کردن و افعالی از این دسته و همچنین عبارت «بدین‌وسیله» استفاده می‌شوند، «کارگفت‌های کنشی صریح» نام‌گذاری می‌کند؛ اما پاره‌گفت‌های کنشی را که در آن‌ها از ادوات زبانی بالا به‌صورت صریح استفاده نمی‌شود، «پاره‌گفت‌های کنشی ضمنی» می‌نامد؛ مثلاً: ۶. «شما به خیانت محکوم می‌شوید.» پاره‌گفت شماره‌ی ۶ اگرچه از لحاظ معنی شبیه پاره‌گفت شماره‌ی ۵ است؛ اما از ادوات زبانی به شکلی استفاده نکرده است که در نمونه‌ی شماره‌ی ۵ به‌کار رفته‌اند.

اکنون به معرفی یکی دیگر از فیلسوفان مکتب آکسفورد به نام «جان راجرز سرل»<sup>۱</sup> می‌پردازیم که نظریه‌ی آستین را با کمی بسط و گسترش، به پنج پاره‌گفت بیانی تقسیم‌بندی کرد. تقسیم‌بندی پنج‌گانه‌ی کارکردهای سرل به شرح ذیل است: الف. اظهاری<sup>۲</sup>: تعهد گوینده را به صدق و کذب یک گزاره بیان می‌کند: ۷. «کریه زمین مسطح است. رودخانه‌ی کارون از وسط خرمشهر می‌گذرد؛ ب. ترغیبی/امری<sup>۳</sup>: مخاطب را به انجام کاری یا عملی ترغیب می‌کند: ۸. «یک فنجان قهوه به من بده؛» پ. تعهدی<sup>۴</sup>: تعهد گوینده را به انجام کاری بیان می‌کند: ۹. «من آن کتاب را امروز برای شما می‌خرم؛» ۱۰. «قول می‌دهم فردا آبادان باشم؛» ت. عاطفی<sup>۵</sup>: احساس گوینده را در برابر وقوع رویدادی بیان می‌کند: ۱۱. «من از شما عذرخواهی می‌کنم؛» ث. اعلامی<sup>۶</sup>: گوینده شرایط جدیدی را به مخاطب اعلام می‌کند و تغییری در جهان خارج به‌وجود می‌آورد: ۱۲. «من بدین‌وسیله شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم.»

1- John Rogers Searle

2- representative/assertive

3- directive

4- commissive

5- expressive

6- declarative

همچنین کنش‌های گفتاری پنج‌گانه‌ی سرل بر اساس ساختار به دو نوع «کنش گفتاری مستقیم» و «کنش گفتاری غیرمستقیم» دسته‌بندی می‌شوند.

۱۳. «روی این غذا کمی نمک بریز» (ترغیبی مستقیم)؛

۱۴. «میشه لطفاً روی این غذا کمی نمک بریزید؟» (ترغیبی غیرمستقیم).

سرل کارگفت‌های آرزویی، دعایی، یا تمنایی را متفاوت از موارد مستقیم و غیرمستقیم می‌داند و میان آن‌ها تمایز قائل می‌شود؛ به‌عنوان مثال، «به خاطر من یک فیلسوف بشوید» با جمله‌ی «میشه به خاطر من فیلسوف بشی»، متفاوت است. جمله‌ی اول جنبه‌ی دعایی دارد و جمله‌ی دوم کارگفت ترغیبی غیرمستقیم گزاره‌ی اول نیست (صفوی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰). گفتنی است که جان سرل برای مؤثر بودن این موارد، چهار عامل را بیان می‌دارد: ۱. نکته‌ی منظوری<sup>۱</sup>، ۲. تطبیق<sup>۲</sup>، ۳. وضع روانی<sup>۳</sup> و ۴. محتوا<sup>۴</sup>؛ به‌عنوان مثال، در پاره‌گفت اظهاری ۱۵. «هو بارانی است»، قصد یا هدف از پاره‌گفت و تأکید گوینده بر صدق گفته‌اش را بیان می‌دارد (نکته‌ی منظوری)؛ نوع انطباق زبان با جهان خارج که ارزش صدق آن قابل تعیین است (تطبیق)؛ وضع ذهنی گوینده‌ی این پاره‌گفت و اطمینان به صدق گفته‌اش است (وضع روانی) و محدودیت‌های حاکم بر پاره‌گفت‌های بیانی و طرح موضوعی که اظهار آن اهمیت دارد (محتوا).

هرچند که انتقاداتی بر الگوی نظری جان آستین و سرل وجود دارد؛ اما امروزه، دانشمندان علوم کلام و بلاغت، زبان‌شناسی، معناشناسی، فلسفه، کاربردشناسی و رشته‌های مرتبط دیگر برای تحلیل متون گوناگون از چارچوب نظری این دو دانشمند استفاده می‌کنند. یکی از روش‌های تحلیل متون قرآنی و حدیث بر پایه‌ی الگوی نظری آستین و سرل است. پژوهشگران با در نظر گرفتن آیات، کنش گفتاری (بیانی، منظوری، تأثیری) آن‌ها و نوع کاربردشان (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی)، به تحلیل کنش‌های گفتاری یا توان منظوری آن‌ها می‌پردازند. نکته‌ی مهم درباره‌ی کاربرد انواع کارگفت‌ها قالب و شکل جملاتی است که آن‌ها را بیان می‌کنند؛ مثلاً یک پاره‌گفت مستقیم در قالب یک جمله‌ی استفهامی می‌تواند بیانگر یک کنش ترغیبی غیرمستقیم باشد: «میشه کتابو بدی به من؟»، اگرچه در قالب یک جمله‌ی استفهامی یا پرسشی بیان شده است؛ اما هدف گوینده یک پاسخ بله یا خیر از سوی شنونده نیست، بلکه درواقع، به‌صورت غیرمستقیم، کنش ترغیبی از نوع درخواست دارد: «کتابو بده به من». ما در زبان روزمره، به‌طور قراردادی و ناخودآگاه، از کنش‌های غیرمستقیم بسیار استفاده می‌کنیم و کارایی آن‌ها بسیار بالاست. برخی از دانشمندان و زبان‌شناسان علاوه بر مطالعه و تحلیل زبان انسان‌ها، علاقه فراوانی به مطالعه‌ی ساختار، معانی و حقایق نهفته در کتب مقدس و آسمانی با رویکردهای علمی جدید را دارند تا بلکه بتوانند درک بهتر و عمیق‌تری نسبت به آن‌ها به دست آورند. در این تحقیق در نظر داریم از میان سوره‌های کلام وحیانی قرآن کریم، سوره‌ی

1- illocutionary point

2- fit

3- psychological state

4- content

شریفه‌ی مرسلات را از دیدگاه چهارچوب نظری آستین و سرل بررسی و واکاوی کنیم تا بلکه بتوانیم گامی به تفسیر و درک معانی نهفته در کلام خالق نزدیک‌تر شویم. هرچند که ظرفیت انسان برای درک این آیات و برهان‌ها هرگز به‌طور تمام و کمال مقدور نیست؛ اما انسان‌ها در اعصار و قرون مختلف به‌اندازه‌ی علم، معرفت و دانش خود به درک بخش‌هایی از آن دست‌یافته‌اند؛ همچنین علی‌رغم اینکه یکی از معجزات الهی این است که خداوند عزوجل به انسان قدرت اندیشه و نطق بخشیده است؛ اما کلام وحیانی بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین معجزات الهی است.

اکنون به‌اختصار به معرفی این سوره می‌پردازیم. سوره‌ی مرسلات که هفتادوهفتمین سوره‌ی قرآن است، در جزء بیست‌ونهم قرار دارد. این سوره‌ی مبارکه دارای پنجاه آیه است و جزو سوره‌های مکی محسوب می‌گردد. سوره‌های مکی سوره‌هایی هستند که جزو اولین سوره‌های نازل‌شده‌اند و پیش از سوره‌های مدنی، در مکه بر پیامبر نازل گشته‌اند؛ همچنین سوره‌ی مرسلات سی‌وسومین سوره‌ی است که بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام<sup>(ص)</sup> نازل شده است و جزو سوره‌های مفصلات (محکمات) است. سوره‌های مفصلات سوره‌هایی هستند که در آن‌ها آیات منسوخ کمتر وجود دارد، کوتاه‌اند و در انتهای قرآن جای می‌گیرند. سوره‌ی پیش از این سوره به ترتیب زمان نزول، سوره‌ی مبارکه‌ی همزه و سوره‌ی پس از آن، سوره‌ی مبارکه ق است. ترتیب قرار گرفتن این سوره در قرآن کریم، پیش از سوره‌ی نباء و پس از سوره‌ی انسان است. این سوره از ۱۸۱ کلمه و ۸۴۱ حرف تشکیل شده است. نکته قابل‌توجه در این سوره، آیه‌ی «وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ ثُلُمُكُذِّبِينَ» است که ده بار تکرار شده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶۰).

بررسی توان منظوری آیات شریفه‌ی کلام‌الله مجید در سوره‌ی مکی مرسلات با تکیه بر الگوی نظری پنج‌گانه سرل و کارگفت‌های آستین شاید بتواند سطوحی از ساختارهای معنایی نهفته در این سوره را بر ما آشکار سازد، هرچند معنا و حقیقت حقیقی نزد خالق است. تأویل و تفسیر آیات کلام وحیانی اگرچه از سوی دانشمندان این علم صورت گرفته است؛ اما بررسی و تحلیل این آیات از دیدگاه علوم و نظریات جدید نیز می‌تواند بُعد جدیدی از معانی نهفته را بر ما آشکار سازد. با توجه به شرایط، ویژگی‌ها، پیام و مضمون خاص سوره‌ی مبارکه مرسلات، پرسش اصلی جستار پیش رو این است که در سوره از چه کنش‌های گفتاری استفاده شده است، پرسش‌های اصلی جستار کدام است و توان منظوری نهفته در هر کارکرد به چه صورت است؟ پرسش فرعی پژوهش است که در چنین موقعیت و شرایطی، خداوند بیشتر از چه کنش گفتاری استفاده کرده است؟ همچنین با توجه به اینکه هدف اصلی سوره‌ی مرسلات تبیین روز قیامت و سوگند است، خداوند با استفاده از تهدید پایانی منکران روز قیامت و تأکید بر وقوع روز قیامت در این سوره، از چه کنش گفتاری استفاده نموده و میزان بسامد وقوع آن چقدر است؟

در این پژوهش برای تحلیل سوره‌ها از نرم‌افزار اندروید القرآن الکریم (Quran) و همچنین وبگاه <https://quran.com> و <http://quran.anhar.ir> استفاده شده است. ترجمه‌ی فارسی این سوره‌ی مبارکه از حسین تاج‌گله‌داری و ترجمه‌ی انگلیسی از «صحیح بین‌المللی» است. برای درک بهتر این سوره‌ی مبارکه، نگارنده‌ی مقاله از تفسیر نور دکتر مصطفی خرم‌دل، تفسیر نمونه‌ی مکارم

شیرازی و تفسیر ترجمه‌ی المیزان علامه طباطبایی نیز مدد و یاری جسته است. این پژوهش سعی دارد با روشی توصیفی-تحلیلی، در چارچوب نظریه‌ی کارگفت آستین و سرل به بررسی انواع کنش گفتاری در این سوره‌ی مبارکه بپردازد. به همین منظور، سوره‌ی مبارکه‌ی مرسلات برای بررسی و تحلیل از حیث وقوع کارگفت‌ها و انواع آن بررسی و مطالعه گردید. داده‌های موردنیاز به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد و سپس موارد یافت شده‌ی کنش‌های گفتاری به‌صورت کمی و کیفی تحلیل گردیدند.

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

تاریخچه‌ی مطالعه‌ی معنا و حقیقت اگرچه پیش‌تر از سوی فلاسفه و منطق‌دانان باستان و بعدها از سوی دانشمندان علم بلاغت، تأویل و کلام صورت می‌گرفت؛ اما از اوایل قرن بیستم، زبان‌شناس سوئیسی فردیناند دو سوسور با مطرح ساختن اصول و مفاهیم زبان‌شناسی توانست کمک بزرگی به رشته‌های مرتبط دیگر مانند فلسفه و معناشناسی کند؛ همچنین به‌تبع آرا و افکار او، دانشمندانی چون بلومفیلد، جامسکی، آستین، سرل و جان لاینز با مطالعه‌ی معنا و زبان امروزه توانسته‌اند درک ما را با معناشناسی، فلسفه و زبان، نه‌تنها تعمق بخشند، بلکه ما را گامی به درک معنا و زیبایی‌ها و پیچیدگی‌های معنایی نهفته در زبان نزدیک‌تر سازند. امروزه، زبان‌شناسی توانسته است کمک شایانی به مفسرین و محلیین متون قرآنی و حدیث نیز بنماید. اکنون دانشمندان با به‌کارگیری نظریات معناشناختی و زبان‌شناختی، سعی در کشف بهتر و دقیق‌تر ساختارها و لایه‌های نهفته‌ی معنا در کتاب وحیانی دارند. امروزه، کتب و مقالات بسیاری از ابعاد مختلف این معجزه‌ی الهی سخن می‌گویند و تحلیل و بررسی قرآن کریم توسط رشته‌ها و علوم مختلف در همه‌ی سطوح، به‌طور گسترده‌ای هنوز ادامه دارد. در ذیل به تعدادی از کارهایی می‌پردازیم که بر پایه‌ی نظریه‌ی کارگفت‌های آستین و سرل، متون دینی را تحلیل و بررسی کرده‌اند.

ساجدی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ی کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، ابتدا به معرفی تاریخچه‌ی این نظریه و چگونگی مراحل شکل‌گیری و تکامل آن می‌پردازد. ساجدی در بخش دوم مقاله، به‌صورت توصیفی به تحلیل و ارائه‌ی گزاره‌های دینی می‌پردازد و اظهار می‌دارد که بُعد عاطفی گزاره‌های دینی اهمیت ویژه‌ای دارد. او در ادامه می‌گوید که برخی از دین‌شناسان غربی در درک بُعد اخباری گزاره‌های دینی غفلت دارند. ساجدی سپس به معرفی واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انشایی می‌پردازد.

پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش گفتاری جان سرل، به بررسی و تحلیل زیارت‌نامه‌ی امام رضا<sup>(ع)</sup> پرداختند. مطالعات آنان نشان داد که از میان ۱۰۷ کنش گفتاری به‌کاررفته در این زیارت‌نامه، بیشترین کنش‌ها از نوع عاطفی با ۳۸ مورد و کمترین نوع کنش از نوع اعلامی بوده‌اند. گفتنی است که این دو محقق هیچ‌گونه کنش تعهدی در زیارت‌نامه مدنظر پیدا نکردند. نتایج تحقیقات آنان نشان می‌دهد ارتباط عمیق عاطفی میان گوینده و مخاطب در این زیارت‌نامه وجود دارد و احساساتی از قبیل ارادتمندی، قدردانی و دوستی خویش از سوی گوینده‌ی متن به

مخاطب القا می‌شود.

فضائلی و نگارش (۱۳۹۰) در تحلیل خطبه‌ی پنجاه‌ویکم نهج‌البلاغه با رویکرد جان سرل، به بررسی انواع کنش‌های زبانی از سوی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> برای تشجیع لشکریان خود و حمله به سپاه معاویه پرداختند. در این مطالعه آنان دریافتند که به سبب شرایط خاص جنگ، امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> کنش‌های گفتاری اظهاری و ترغیبی را به میزان فراوان و کنش گفتاری عاطفی را به میزان کمتری به‌کاربرده است. آنان کاربرد کنش اظهاری را به سبب ایجاد بصیرت نسبت به جنگ، مرگ، زندگی، معاویه و سپاهش معرفی می‌کنند تا لشکریان بتوانند بر سپاه دشمن یورش برند؛ همچنین آنان کاربرد کنش ترغیبی از سوی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را برای هشدار دادن، دستور دادن، تشویق کردن، نصیحت کردن، اطمینان دادن و روحیه و اعتمادبه‌نفس دادن به سپاهیان‌شان بیان می‌کنند.

ساسانی و محبوب (۱۳۹۲) با تکیه بر نظریه‌ی کنش‌های کلامی آستین، تعزیه‌نامه‌های امام حسین<sup>(ع)</sup> را تحلیل کردند. آنان کنش‌های کلامی موجود در تعزیه‌نامه و نمود آن‌ها را در اجرا مطالعه کردند. آنان اظهار می‌دارند که در متن تعزیه‌نامه‌ی مطالعه‌شده ۱۴۵۲ کنش کلامی وجود داشته است که از میان آن‌ها، تنها ۱۰۰ مورد به کنش در حرکت و اجرا منجر شده است. آنان بیان می‌کنند که علت نمود نیافتن این کنش‌های کلامی در حرکت و اجرا به علت نوع تعزیه است که از اقسام اقراری-اعترافی، روایت‌گونه و آیینی-نیایشی بوده‌اند.

حسینی معصوم و رادمرد (۱۳۹۳) با بررسی انواع کنش گفتاری در سوره‌های مکی و مدنی و تأثیر بافت مکانی و زمانی بر تحلیل کنش گفتار دریافتند که خداوند عزوجل در سوره‌های مدنی به سبب شرایط زمانی و مکانی خاص، بیشتر از کنش اظهاری استفاده کرده است و کنش‌های عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مقابل، سوره‌های مدنی به ترتیب بیشترین فراوانی را در کنش ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی دارند. آنان در ادامه می‌گویند که سوره‌های مکی در آغاز اسلام با نقش اظهاری می‌توانستند بیانگر اخبار و معارف اسلامی و الهی باشند، درحالی‌که سوره‌های مدنی با کنش ترغیبی بهتر می‌توانستند اوامر و نواهی تشویقی و ترغیبی و تبشیر و انذار را القا کنند.

کاظمی (۱۳۹۳) با بررسی خطبه‌های نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریه‌ی زبانی کارگفت اظهار می‌دارد که برحسب شرایط و موقعیت زمانی و مکانی، کنش‌ها تغییر می‌کنند. بر اساس این پژوهش، کارگفت اظهاری پرکاربردترین نوع کارگفت در خطبه‌های نهج‌البلاغه بوده است و کنش‌های ترغیبی و عاطفی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کاظمی می‌گوید: کارگفت اظهاری برای معرفی باورهای دینی عینیت بیشتری دارد و کارگفت ترغیبی برای دعوت مؤمنان به انجام امور دینی به‌کار برده شده است و همچنین در شرایط عرفانی و معنوی، کارگفت عاطفی استفاده‌شده است.

علوی و حسین‌پناهی (۱۳۹۳) بر اساس نظریه‌ی کنش کلامی، به بررسی و تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون می‌پردازند. آنان بیان می‌کنند که قرآن کریم به‌طور هدفمند و پویا، از کنش‌های کلامی استفاده جسته است؛ همچنین آنان اظهار می‌دارند که نظریه‌ی کنش کلامی برای پایه‌ی زبان بشری بناشده است و برخی مبانی این نظریه در تضاد با ویژگی‌های کلام

و حیانی است و در بررسی آیات قرآن بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش کلامی، باید دقت لازم را به عمل آورد. ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای توصیفی-تحلیلی، به واکاوی کنش‌های گفتاری آموزه‌های اخلاقی و تربیتی دعای مکارم‌الخلاص پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که کنش‌های گفتاری ترغیبی، اظهاری، عاطفی و تعهدی نقش مهمی در چارچوب اصلی این دعا ایفا می‌کنند. اصلی‌ترین کنش در این دعا از نوع ترغیبی است که با تلفیق با کنش عاطفی و اظهاری توانسته به کارآمدترین شکل، در قالب درخواست برای رسیدن به وضعیت مطلوب استفاده شود. اگرچه پژوهش‌های متعددی به بررسی متون دینی و قرآن کریم از دیدگاه نظریه‌ی کارگفت‌های آستین و سرل پرداخته‌اند؛ اما تعداد مقالاتی که صرفاً به بررسی کنش‌های گفتاری سوره‌ی مرسلات بپردازند، بسیار اندک است. در این میان، طبق دانش محقق به نظر می‌رسد مقاله‌ای وجود ندارد که صرفاً به مطالعه‌ی کارگفت در این سوره‌ی مبارکه پرداخته باشد. این مسئله انگیزه‌ی اصلی این تحقیق در مطالعه‌ی کارگفت‌های سوره‌ی مرسلات است تا شاید بتواند به خوانندگان کمک کند، درک بهتری از این سوره‌ی مبارکه به‌دست آورند.

### ۳. تحلیل داده‌ها

برای درک بهتر آیات سوره‌ی مرسلات، همان‌طور که در بخش مقدمه نیز ذکر شد، از تفسیر نور، تفسیر نمونه و تفسیر المیزان استفاده‌شده است. در ابتدا، به دسته‌بندی آیات به ترتیب از ۱ تا ۵۰ بر اساس نوع کنش گفتاری می‌پردازیم که در آن‌ها رخ داده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿۱﴾ وَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ﴿۲﴾ وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا ﴿۳﴾ فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا ﴿۴﴾  
فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿۵﴾ عَذْرًا أَوْ نَذْرًا ﴿۶﴾ إِمَّا تُوعِدُونَ لَوَاقِعَ ﴿۷﴾

سوره‌ی مرسلات با قسم و سوگند خداوند متعال آغاز می‌شود. علت نام‌گذاری این سوره نیز همین آیه‌ی اول است: «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿۱﴾؛ سوگند به فرستادگان پی‌درپی»؛ سپس خداوند سوگند و قسم خود را تا آیه‌ی هفتم با «عاصفات»، «ناشرات»، «فارقات»، «ملقیات ذکرًا» و «عذرا او نذرا» ادامه می‌دهد، جایی که خداوند علت سوگند خود را بیان می‌کند: «آنچه وعده یافته‌اید، قطعاً رخ خواهد داد» (۷). در تفسیر المیزان درباره‌ی آیه هفتم چنین ذکر شده است: «این جمله، جواب آن چند سوگند است و کلمه‌ی (ما) موصوله و خطاب در (توعدون) به عموم بشر است و مراد از (ما توعدون) وعده‌های قیامت و ثواب و عقاب است و اگر فرمود: (لواقع) و نفرمود: (لکائن)، برای این بود که کلمه‌ی (واقع) رساتر است؛ چون در آن شائبه‌ای از استقرار نیز هست؛ و معنای آیه این است که: آن چیزی که خدا شما را به آن وعده داده؛ یعنی مسئله‌ی بعث، عقاب و ثواب، خواه‌ناخواه واقع خواهد شد» (تفسیر المیزان، <http://quran.anhar.ir>).

در هفت آیه‌ی اول، همه‌ی کنش‌های قسم و سوگند از نوع تعهدی هستند. خداوند قسم می‌خورد که به وعده‌ی خود عمل می‌کند: فَيَاذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿۸﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿۹﴾  
وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿۱۰﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ ﴿۱۱﴾

آیات هشتم، نهم، دهم و یازدهم اگرچه از وقوع حادثه‌ای خبر می‌دهند - تاریک شدن ستارگان، شکافتن آسمان، پراکنده شدن کوه‌ها و وعده‌ی میقات پیامبران - و به نظر می‌رسد اظهاری باشند؛ اما به‌طور ضمنی در واقع، نوعی کنش اعلامی نیز در آن‌ها احساس می‌شود؛ زیرا خداوند نه تنها از وقوع آن‌ها خبر می‌دهد، بلکه تغییر در جهان واقع نیز رخ خواهد داد؛ همچنین اگر این آیات را وعده‌ی خداوند در نظر بگیریم، نوعی کنش تعهدی نیز تلقی می‌شوند. «تفسیر المیزان» این آیات را معرفی روز قیامت بیان کرده است و «تفسیر نور» این آیات را توصیف نشانه‌های روز قیامت معرفی می‌کند.

لَأَيُّ يَوْمٍ أَجَلَتْ ﴿١٢﴾ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٣﴾

خداوند متعال در آیه‌ی ۱۲ با جمله‌ی استفهامی می‌پرسد: «(این امر) برای چه روزی به تأخیر افتاده است؟» و سپس بلافاصله در آیه‌ی بعدی جواب این پرسش را می‌دهد: «برای روز داوری» (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، <http://quran.anhar.ir>).

تفسیر المیزان آیه‌ی ۱۲ و ۱۳ را تقدیر قول ذکر می‌کند. توان منظوری نهفته در این کنش گفتاری و استفهام به نظر می‌رسد اظهاری از نوع انذار باشد و خداوند متعال با این استفهام و جواب می‌خواهد به تحقق روز قیامت تأکید کند: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾؛ تو چه می‌دانی روز جدائی چیست؟»

تفسیر نمونه، تفسیر المیزان و تفسیر نور هر سه به اتفاق، این آیه‌ی استفهامی را بیان عظمت روز قیامت می‌دانند. تفسیر المیزان این جمله را تعظیمی خوانده است. در این آیه، استفهام به‌منظور ناتوانی انسان برای درک روز قیامت است و نوعی انذار و کنش اظهاری است: «وَيَلِّ لِيَوْمِئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾؛ در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان!»

این آیه که نقش ترجیع‌بند و کلیدی را در سوره‌ی مرسلات دارد، ده بار در طول این سوره با فواصل خاصی و در موقعیت‌های متنوع و بافتی خاصی تکرار شده است. توان منظوری نهفته در این آیه نوعی تهدید را بیان می‌کند که لحن این تهدید در همه‌ی این سوره قابل‌مشاهده است. تهدید و هشدار بیانگر کنش تعهدی است. در تفسیر نمونه معنی «ویل» هلاکت و عذاب تفسیر شده است و اظهار می‌دارد خداوند متعال وضعیت اسفناک و سرنوشت دردناک تکذیب‌کنندگان در آن روز را هشدار می‌دهد.

«أَلَمْ نُهْلِكِ الْأُولِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيَلِّ يَوْمِئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾؛ آیا ما پیشینیان را (به کیفر کفر) هلاک نکردیم؟ (۱۶) از پی آنان هم قومی دیگر را (که منکران قرآن باشند) نیز هلاک می‌کنیم. (۱۷) ما بدکاران عالم را همین‌گونه هلاک می‌سازیم. (۱۸) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۱۹)».

تفسیر المیزان استفهام در آیه‌ی ۱۶ را انکاری می‌داند. در تفسیر نور بیان شده است که منظور از پیشینیان (الاولین) قوم لوط و شعیب و موسی هستند. استفهام در این آیه اگرچه تهدید و ترساندن و نوعی کنش تعهدی تلقی می‌شود؛ اما همچنین به‌طور ضمنی بیانگر نوعی پند و عبرت نیز است. تفسیر زرکشی آیه‌ی ۱۶ را نوعی تحذیر بیان کرده است (زرکشی، ۱۹۹۱، ص ۳۳۳-۳۴۶).

آیه بعد (۱۷) در ادامه با همان لحن بیان می‌کند که همان‌طور که پیشینیان تکذیب‌کننده را هلاک کردیم، تکذیب‌کنندگان بعدی را نیز هلاک خواهیم کرد. این تهدید نوعی کنش تعهدی است. آیه‌ی ۱۸ همانند آیه پیش، مجرمین را به هلاکت تهدید می‌کند و شامل نوعی کنش تعهدی است. آیه‌ی ۱۹ همان‌طور که در آیه‌ی ۱۵ ذکر شد، کنش تعهدی از نوع تهدید است. نکته‌ی مهم درباره‌ی این ترجیع‌بند این است که علاوه بر تهدیدی که در این آیه وجود دارد، تأکید و ارجاعی بر مفاهیم و مضامین یادشده در آیات پیش از خود را نیز خاطر نشان می‌سازد.

«أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿۲۰﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿۲۱﴾ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿۲۲﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿۲۳﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۲۴﴾؛ آیا ما شما آدمیان را از آبی پست و ناچیز بدین زیبایی نیافریدیم؟ (۲۰) سپس آن را (از صلب پدر) به قرارگاه رحم منتقل ساختیم (۲۱) تا مدتی معین و معلوم (در رحم مانند) (۲۲) و ما تقدیر مدت رحم (و تعیین سرنوشت او تا ابد) را کردیم که نیکو مقدر حکیمی هستیم. (۲۳) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۲۴)». آیه‌ی ۲۰ استفهام از نوع تعجب است و آیات بعدی (۲۱)، (۲۲) و (۲۳)، مراحل شکل‌گیری انسان از نطفه و عظمت و قدرت خداوند را بیان می‌دارند که همگی نوعی خبر و از نوع کنش اظهاری هستند. این آیات تجلی‌گر عظمت، بزرگی، قدرت و توانایی خداوندند و از تکذیب‌کنندگان می‌خواهد به آن‌ها فکر کنند تا شاید ایمان آورند.

آیه‌ی ۲۴ ترجیع‌بندی است که خداوند تکذیب‌کنندگان این آیات را تهدید می‌کند و کنش تعهدی محسوب می‌شود.

«أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿۲۵﴾ أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا ﴿۲۶﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ﴿۲۷﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۲۸﴾؛ آیا ما زمین را محل اجتماع بشر قرار ندادیم؟ (۲۵) تا زندگان روی زمین زندگی کنند و مردگان درونش پنهان شوند (۲۶) و در زمین کوه‌های بلند برافراشتیم و از ابر و باران به شما آب زلال گوارا نوشاندیم. (۲۷) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۲۸)».

خداوند تا به اینجا، برای چهارمین بار، پس از هر ترجیع‌بند آیه‌ی بعدی خود را با استفهام شروع کرده است. آیه‌ی ۲۵ چهارمین آیه‌ای است که پس از ترجیع‌بند به صورت استفهامی بیان می‌شود. استفهام در آیه‌ی ۲۵ از نوع تقریر و تثبیت و نوعی کنش اظهاری است و آیات بعدی یعنی ۲۶ و ۲۷ نیز به تبع آن اظهاری تلقی می‌گردند.

آیه‌ی ۲۷ یعنی ترجیع‌بند سوره بیانگر تهدید و کنش تعهدی است.

«انطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ ﴿۲۹﴾ انطَلِقُوا إِلَىٰ ظُلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿۳۰﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿۳۱﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ بَشَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿۳۲﴾ كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ ﴿۳۳﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۳۴﴾؛ خطاب رسد ای منکران! شما امروز به سوی آن دوزخی بروید که تکذیب کردید (۲۹) بروید زیر سایه‌ی دودهای آتش دوزخ که سه شعبه دارد. (۳۰) نه آنجا سایه‌ای خواهد بود و نه از شرار آتش هیچ نجات دارند. (۳۱) آن آتش هر شراری بیفکند؛ مانند قصری است. (۳۲) گویی آن شراره (در سرعت و کثرت) همچون شتران زرد موی است. (۳۳) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۳۴)».

آیات ۲۹ و ۳۰ با فعل «انطلقوا» (بروید) آغاز می‌شوند که یک فعل امری و دستوری است و بیانگر نوعی کنش ترغیبی هستند. آیات ۳۰، ۳۱ و ۳۲ اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت دوزخ می‌دهند که کنش اظهاری دارند.

«هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطُقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤْدُنْ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ ﴿٣٦﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾؛ این روزی است که کافران (برای نجات خود) سخنی نتوانند گفت (۳۵) و به آنان رخصت عذرخواهی نیز نخواهند داد. (۳۶) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۳۷)».

در آیه‌ی ۳۵، خداوند خیر از روز (قیامت) می‌دهد که در آن تکذیب‌کنندگان قادر به حرف زدن نیستند که نوعی کنش اظهاری است. در آیه‌ی ۳۶ خداوند متعال می‌گوید: در این روز به کافران و تکذیب‌کنندگان اجازه و رخصت عذرخواهی داده نمی‌شود که بیانگر کنش اظهاری در این آیه‌ی شریف است.

«هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ نَ ﴿٣٨﴾ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ ﴿٣٩﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾؛ این روز فصل (حکم و جدایی نیک و بد) است که شما را با همه‌ی درگذشتگان پیشین به عرصه‌ی محشر جمع گردانیم. (۳۸) پس اگر چاره‌ای بر نجات خود می‌توانید انجام دهید، رو کنید. (۳۹) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۴۰)».

خداوند در آیه‌ی ۳۸ بیان می‌دارد که وعده‌ی ما محقق خواهد شد و روز فصل (قیامت) فرا خواهد رسید و همه را در عرصه‌ی محشر جمع خواهد کرد. این آیه کنش تعهدی است؛ زیرا خداوند قول و تعهدی را بیان می‌کند که محقق خواهد شد؛ سپس در آیه‌ی بعدی خطاب به کافران می‌گوید: اگر حیلتی دارید، در این روز رو کنید. در تفسیر المیزان معنای این آیه چنین تفسیر شده است که «اگر شما حيله‌ای علیه من دارید تا با آن حيله، عذاب مرا از خود دفع کنید، آن حيله را به کار ببرید و این خطاب را اصطلاحاً تعجیزی می‌گویند و معنایش این است که شما چنین نیرویی ندارید، در آن روز به‌طورکلی، همه‌ی نیروها از شما گرفته می‌شود» (تفسیر المیزان، <http://quran.anhar.ir>)؛ بنابراین، طبق تفسیر المیزان می‌توان گفت، در این آیه کنش ترغیبی از نوع تعجیزی به کار برده شده است. اگرچه خداوند کافران را به انجام کاری ترغیب می‌کند؛ اما توان منظوری آیه این است که چنین کاری از دست آنان برغمی آید و آنان به هیچ حیلتی قادر نیستند با خداوند قادر و توانا مقابله کنند.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾ وَفَوَاقِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾ كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا مِمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾؛ آن روز سخت، بندگان باتقوا در سایه‌ی درختان بهشت و کنار نهرهای جاری متنعم‌اند (۴۱) و از هر نوع میوه که مایل باشند، فراهم است. (۴۲) به آنان خطاب شود که از هر طعام و شراب بخواهید، بخورید و بیاشامید که شما را گوارا باد پاداش اعمال نیکی که در دنیا به‌جا آوردید. (۴۳) ما البته نیکوکاران عالم را چنین پاداش می‌دهیم. (۴۴) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۴۵)».

در آیه‌ی ۴۱ و ۴۲ خداوند می‌گوید: به وعده‌ی خود عمل خواهد کرد و بندگان باتقوا را از نعمت بهشت بهره‌مند خواهد ساخت. تحقق وعده در این آیه بیانگر کنش تعهدی است؛ سپس در آیه‌ی ۴۳، خداوند متعال خطاب به اهل ایمان می‌گوید: «از هر طعام و شراب بخواهید، بخورید

و بیاشامید که شما را گوارا باد پاداش اعمال نیکی که در دنیا به جا آوردید.» دو فعل «بخورید و بیاشامید» در این آیه به صورت امری به کار رفته‌اند که بیانگر کنش ترغیبی این آیه هستند. در آیه ۴۴، خداوند به محقق شدن پاداش نیکوکاران وعده می‌دهد که نوعی کنش تعهدی است. «كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿٤٧﴾؛ ای کافران! شما هم بخورید و تمتع برید به عمر کوتاه دنیا که شما بسیار بدکارید. (۴۶) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۴۷)».

در آیه ۴۶، دو فعل «کلو» و «تمتعوا» به صورت امری به کار رفته‌اند که بیانگر کنش ترغیبی هستند. توان منظوری آیه خطاب به مجرمین است و بلافاصله پس از دو کنش ترغیبی، خداوند کلمه‌ی قلیل به معنی اندک را به کار می‌برد و خطاب به کافران بیان می‌دارد که شما بسیار بدکارید. تفسیر نمونه، تفسیر المیزان و تفسیر نور هر سه بیان می‌کنند که خداوند در این آیه از لحن تهدید استفاده کرده است؛ بنابراین، طبق تفسیر آن‌ها می‌توان گفت کنش ترغیبی در این آیه‌ی شریفه از نوع تهدیدآمیز و مایوس شدن خداوند از کافران است.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾ وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿٤٩﴾؛ و هرگاه به آنان گفته شد که نماز و طاعت خدا را به جای آرید، اطاعت نکردند. (۴۸) وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۴۹)».

آیه ۴۸ از حال‌وروز کافران می‌گوید و واکنش آنان به اوامر الهی را بازگو می‌کند: هنگامی که به آنان می‌گوییم نماز بگذارید (رکوع کنید)، آنان نافرمانی می‌کنند. این آیه بیانگر نوعی کنش اظهاری است.

«فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾؛ شما پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردید)، باز به کدامین حدیث ایمان می‌آورید؟! (۵۰)».

این آیه استفهامی است و در تفسیر المیزان چنین آمده است: «این جمله رسول خدا (ص) را مایوس می‌کند از اینکه به خدا و رسولش ایمان بیاورند و به منزل‌های هشدار است به اینکه دیگر ایشان را به ایمان دعوت مکن و اینکه گفتیم (بخورند و تمتع ببرند)، سخن به جایی بود. دیگر ایمان آور نیستند و هیچ فایده‌ای در دعوت کردن آنان نیست، جز همین مقدار که حجت بر آنان تمام شود.» توان منظوری آیه بیانگر هشدار و تهدید است که نوعی کنش تعهدی است؛ بدین معنی که کافران به هیچ آیاتی، دیگر ایمان نمی‌آورند.

در تفسیر نمونه در مورد کلیت این سوره گفته شده است: آیه‌ی «وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ» که ده بار در این سوره تکرار شده، برای تأکید بر يك واقعت مهم و تکان‌دهنده است. تفسیر نمونه در ادامه می‌افزاید: برخی از مفسران معتقدند که هریک از این ده آیه اشاره به نکته جدیدی است که به تکذیب مطالب پیش از آن مربوط می‌شود؛ بنابراین، تکراری در بین نیست.

۳. ۱. دسته‌بندی کنش‌ها در این سوره

اکنون به بررسی کنش‌های موجود در این سوره می‌پردازیم. در این سوره از چهار نوع کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی و اعلامی استفاده شده است؛ اما هیچ‌گونه کنش عاطفی وجود ندارد.

شش آیه استفهام داشتند که به ترتیب آیات ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۲۵ و ۵۰ هستند.

«لَأَيُّ يَوْمٍ أَجَلْتُمْ؟»؛ برای چه روزی تعیین وقت شده است؟»؛ «وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ ﴿۱۴﴾؛ و تو چه دانی که روز داوری چیست؟»؛ «أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۶﴾؛ مگر پیشینیان را هلاک نکردیم؟»؛ «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴿۲۰﴾؛ مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟»؛ «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿۲۵﴾؛ مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم؟»؛ «فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۰﴾؛ پس به کدامین سخن، پس از [قرآن] ایمان می‌آورند؟»

نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی این آیات پرسشی این است که همان‌طور که ما از پرسش و استفهام برای کارایی و بهینه‌سازی ارتباط و انتقال پیام به مخاطب استفاده می‌کنیم، خداوند متعال نیز با حکیمانه‌ترین و کارآمدترین شیوه، از استفهام به‌منظور تأثیر کلام و حیانی بر ذهن مخاطب استفاده کرده است. نوع استفهامی که خداوند در آیات خود به کار برده، بسیار ظریف است، به‌طوری‌که خواننده را به تأمل، اندیشه و رسیدن به پاسخی خاص سوق می‌دهد. اگر به این شش استفهام بخواهیم پاسخ دهیم، می‌بینیم که خداوند متعال چقدر حکیمانه این پرسش‌ها را لابه‌لای آیات خود به کار بسته است. بی‌شک درون هر پرسش می‌توان بخش بزرگ پاسخ را جستجو کرد. به نظر می‌رسد توان منظوری آیات استفهامی در بعضی از آیات همین ارجاع به خود آیه‌ی استفهامی برای یافتن پاسخ است؛ به‌عنوان مثال، آیه‌ی «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴿۲۰﴾؛ مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟»، اگرچه مخاطب برای یافتن پاسخ به تأمل و اندیشه واداشته می‌شود؛ اما بخشی از پاسخ در خود آیه نهفته است: «ما شما را از آبی بی‌مقدار (نطفه) آفریدیم.» این نوع استفهام حکیمانه در قرآن بسیار به کار برده شده است.

در کتاب البرهان فی علوم القرآن از بدرالدین زرکشی جلد دوم صفحات ۳۳۰ تا ۳۴۶ و همچنین فرهنگ‌نامه علوم قرآن جلد ۱ صفحات ۸۸۷ تا ۹۱۷، توضیح و تفصیل کاملی از انواع استفهام بیان شده است. زرکشی استفهام را بیش از بیست گونه معرفی می‌کند:

۱. پرسش به انگیزه‌ی ابراز نارضایتی از تأخیر در انجام کار را استفهام استبطایی گویند؛
۲. پرسش به انگیزه‌ی بعید شمردن تحقق عمل را استفهام استبعادی گویند؛
۳. پرسش به انگیزه‌ی تصحیح فهم و طلب آگاهی را استفهام استرشادی گویند؛
۴. پرسش به قصد فخرفروشی را استفهام افتخاری گویند؛
۵. پرسش به قصد لزوم بسنده کردن مخاطب به مضمون کلام را استفهام اکتفائی گویند؛
۶. امر در قالب پرسش را استفهام امری گویند؛
۷. پرسش به قصد نفی مطلب مورد سؤال را استفهام انکاری گویند؛
۸. پرسش به قصد انس با مخاطب و مهربانی با او را استفهام ایناسی گویند؛
۹. پرسش به قصد تأکید محتوای پرسش پیشین را استفهام تاکیدی گویند؛
۱۰. پرسش به قصد نشان دادن بطلان یک مطلب را استفهام تبکیتی گویند؛
۱۱. خود را به نادانی زدن و پرسش به قصد انکار را استفهام تجاهلی گویند؛
۱۲. پرسش به قصد تحریک شدید مخاطب بر انجام چیزی را استفهام تحضیضی گویند؛

۱۳. پرسش به قصد خوار شمردن کسی را استفهام تحقیری گویند؛
  ۱۴. استفهام تعویفی به پرسش به قصد ترساندن مخاطب از چیزی اطلاق می‌شود؛
  ۱۵. استفهام تذکیری به پرسش به قصد یادآوری مطلبی برای مخاطب اطلاق می‌گردد؛
  ۱۶. استفهام ترغیبی به پرسش به قصد تشویق مخاطب به انجام کاری اطلاق می‌شود؛
  ۱۷. استفهام تسویه‌ای به پرسش به قصد بیان یکسان بودن نتیجه دو کار اطلاق می‌گردد؛
  ۱۸. استفهام تسهیلی به پرسش به قصد بیان آسان بودن کار برای مخاطب اطلاق می‌شود؛
  ۱۹. استفهام تعجبی به پرسش به قصد ابراز تعجب اطلاق می‌گردد؛
  ۲۰. استفهام تعظیمی به پرسش به قصد ابراز عظمت چیزی یا کسی اطلاق می‌شود؛
  ۲۱. استفهام عتابی به پرسش به قصد سرزنش مخاطب اطلاق می‌گردد؛
  ۲۲. استفهام تقریری به پرسش به قصد گرفتن اقرار و اعتراف از مخاطب اطلاق می‌شود.
- بر اساس دسته‌بندی زرکشی، شش مورد استفهام در آیات سوره‌ی مرسلات را می‌توان به ترتیب استرشادی (انتباهی)، تحقیری، اکتفایی، تذکیری، عتابی و تقریری در نظر گرفت.

### کنش‌های تعهدی، اظهاری و ترغیبی

بیشترین تعداد کنش در این سوره‌ی مبارکه از نوع تعهدی بوده است. کنش تعهدی در این سوره بیشتر به صورت تهدید و انذار، سوگند و قسم و همچنین قول و وعده بوده است. تعداد کنش‌های تعهدی به کار رفته در این سوره در هفت آیه‌ی اول به صورت قسم و سوگند و در ترجیع‌بند سوره «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» ده بار از تهدید و انذار و همچنین در چهار مورد دیگر نیز غیر از این ترجیع‌بند، از تهدید و انذار استفاده شده است. دیگر کنش‌های تعهدی این سوره از نوع قول و وعده هستند. تعداد کل کنش‌های تعهدی مستقیم و غیرمستقیم این سوره ۲۷ مورد است که نشان می‌دهد تمامیت این سوره به سبب ماهیت و اهمیت موضوع آن، یعنی روز قیامت، از کنش تعهدی بیشتر استفاده شده است و همچنین می‌توان چنین برداشت کرد که این سوره یک سوره تعهدی است. البته دیگر کنش‌های استفاده شده در این سوره از قبیل ترغیبی و اظهاری نیز به‌طور غیرمستقیم، خود به نوعی کنش تعهدی دارند.

اکنون به کنش‌های اظهاری در این سوره می‌پردازیم. پس از کنش تعهدی، بیشترین نوع کنش از نوع اظهاری بود که تعداد آن‌ها ۱۲ مورد است. کنش‌های اظهاری به کار رفته در این سوره بیشتر از نوع اطلاع‌رسانی خبر درباره‌ی وقایع گذشته و آینده است؛ به عنوان مثال، آیات ۳۵ و ۳۶ «هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿۳۵﴾ وَلَا يُؤدُّنْ لَهُمْ فَيْعَتِزُونَ ﴿۳۶﴾؛ این روزی است که کافران (برای نجات خود) سخنی نتوانند گفت (۳۵) و به آنان رخصت عذرخواهی نیز نخواهند داد (۳۶)»، کنش اظهاری از نوع خبر است.

دیگر کنش به کار رفته به ترتیب بسامد وقوع، کنش ترغیبی است. خداوند متعال در ۵ آیه از کنش ترغیبی استفاده کرده است: آیات ۲۹، ۳۰، ۳۹، ۴۳ و ۴۶. «انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿۲۹﴾؛ خطاب رسد ای منکران! شما امروز به سوی آن دوزخی که

تکذیب کردید، بروید (۲۹)؛ «انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شَعَبٍ ﴿۳۰﴾»؛ بروید زیر سایه‌ی دودهای آتش دوزخ که سه شعبه دارد (۳۰)؛ «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا ﴿۳۹﴾»؛ پس اگر چاره‌ای بر نجات خود می‌توانید انجام دهید، رو کنید (۳۹)؛ «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا مَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾»؛ به [پاداش] آنچه می‌کردید، بخورید و بیاشامید. گوارایتان باد (۴۳)؛ «كُلُوا وَامْتَنِعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مَجْرُمُونَ ﴿۴۶﴾»؛ ای کافران! شما هم بخورید و تمتع برید به عمر کوتاه دنیا که شما بسیار بدکارید (۴۶)».

در چهار آیه‌ی ۲۹، ۳۰، ۳۹ و ۴۶، کنش ترغیبی خطاب به کافران و تکذیب‌کنندگان است و در آیه‌ی ۴۳ خطاب به مؤمنین به روز قیامت صورت گرفته است.

کنش اعلامی از نوعی است که تشخیص آن در آیات و سوره‌ها کار ساده‌ای نیست. کنش اعلامی کنشی است که حکمی یا عملی به محض به زبان آوردنش، حکم جاری می‌شود. معصومی و رامرد (۱۳۹۳) بیان می‌دارند که به‌عنوان مثال، کنش به‌کاررفته در آیه‌ی ۱۱۵ سوره‌ی نحل از نوع اعلامی است: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَيْزِرِ وَمَا آهَلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۱۵﴾»؛ جز این نیست که [خدا] مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که نام غیرخدا بر آن برده شده، حرام گردانیده است. [با این همه] هرکس که [به خوردن آن‌ها] ناگزیر شود و سرکش و زیاده‌خواه نباشد، قطعاً خدا آمرزنده مهربان است (۱۱۵)».

پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) بیان می‌دارند که شهادت دادن در زیارت‌نامه‌ی امام رضا (ع) نوعی کنش اعلامی است؛ به‌عنوان مثال، جملاتی از قبیل «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» را نوعی کنش اعلامی طبقه‌بندی می‌کنند.

درباره‌ی سوره‌ی مرسلات به نظر می‌رسد برخی از آیات که به‌صورت اظهاری بیان شده‌اند، به‌طور غیرمستقیم نوعی کنش اعلامی هستند؛ به‌عنوان مثال، آیات «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿۸﴾» و «وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿۹﴾» و «وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفتْ ﴿۱۰﴾» و «وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ ﴿۱۱﴾»؛ اگرچه بیانگر نوعی کنش اظهاری هستند؛ اما درواقع، کلام وحیانی به‌صورت حکمی درباره‌ی آن‌ها جاری خواهد شد و ستارگان خاموش، آسمان شکافته، کوه‌ها از جا کنده و پیامبران برای شهادت در روز قیامت حاضر می‌شوند. همان‌طور که در بالا این آیات تحلیل شده‌اند، به نظر می‌رسد در این آیات کنش تعهدی نیز وجود دارد؛ زیرا خداوند وعده‌ی وقوع این حوادث را به ما می‌دهد.

به‌طورکلی، اگرچه محتوا و مضمون کلی این سوره‌ی مبارکه بیشتر به‌صورت تعهدی از نوع قول و وعده و همچنین تهدید و انذار است؛ اما همچنین باید به یاد داشته باشیم که این کلمات از سوی خداوند قادر و توانا بیان می‌شوند. پروردگاری که قدرت تحقق و اجرایی شدن جملات او با کلام انسان قابل‌مقایسه نیست؛ بنابراین، وعده‌ی خداوند حق است و حکم او درباره‌ی این آیات جاری خواهد شد؛ به همین سبب می‌توان گفت آیاتی که به روز قیامت به‌صورت اظهاری اشاره دارند، درواقع نوعی کنش اعلامی غیرمستقیم نیز در آن‌ها وجود دارد. هنگامی که خداوند در آیه‌ی «فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿۲۳﴾» و توانا آمدیم و چه نیک توانابیم (۲۳)»، بر توانایی و قدرت خود تأکید می‌کند و توان منظوری این آیه‌ی شریفه علاوه بر اظهار و اطلاع‌رسانی، همچنین بیانگر نوعی کنش اعلامی است. یا در آیه‌ی دیگری که خداوند می‌گوید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ

وَعِيُونَ ﴿٤١﴾؛ اهل تقوا در زیر سایه‌ها و برکنار چشمه ساراند (٤١)، «توان منظوری این آیه علاوه بر کنش‌های اظهاری، بیانگر نوعی کنش اعلامی و همچنین نوعی کنش تعهدی نیز هست.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در سوره مبارکه مرسلات، کنش‌های گفتاری در همه آیات از دیدگاه نظریه‌ی آستین و سرل بررسی شدند. این سوره مکی با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی برای معرفی روز قیامت، با ارائه آیات و برهان‌ها، تکذیب‌کنندگان روز قیامت را خطاب قرار می‌دهد. بیشترین قالب آیات سوره مبارکه مضمونی تعهدی از نوع قسم، قول و وعده و تهدید است. کنش تعهدی تهدید در یک آیه‌ی ترجیح‌بند «وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» ده بار تکرار شده است که تقریباً پیام و مضمون کلی این سوره شریفه را القا می‌کند. پس از کنش تعهدی، کنش‌های اظهاری پربسامدترین نوع کنش در این سوره مبارکه است و سپس کنش‌های ترغیبی و اعلامی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. خداوند متعال این سوره را با چندین قسم و سوگند آغاز کرده است که همه‌ی این سوگندها برای تأکید بر محقق شدن وعده‌ی خداوند باری تعالی یعنی روز قیامت است. تعداد سوره‌هایی که خداوند در آن‌ها از قسم استفاده کرده، متعدّدند و این سوره دوازدهمین سوره‌ای است که خداوند در پنج آیه‌ی اول قسم و سوگند یاد می‌کند (خرم‌شاهی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶۰). تفسیر المیزان قسم در قرآن را دارای دو شأن معرفی کرده است: یکی برای تأکید و دیگری برای عظمت. سوگند خداوند در هفت آیه‌ی اول بر عظمت عاصفات، ناشرات، فارقات، ملقیات ذکرا و عذرا او نذرا و بر محقق شدن وعده‌ی خویش یعنی روز قیامت تأکید می‌کند.

و اما درباره‌ی آیات استفهامی این نکته گفتنی است که خداوند آیات خود را با برهانی حکیمانه به‌کار بسته است. کاربرد شش آیه‌ی استفهامی در این سوره، بسیار حکیمانه و با شیواترین و زیباترین شکل ممکن سعی در بیان و انتقال پیام الهی به‌صورت کاملاً تأمل‌برانگیزانه و ایجاد اندیشه و تفکر و تعقل در مخاطب (تکذیب‌کنندگان روز قیامت) صورت گرفته است، هرچند که در انتهای سوره، خداوند از تکذیب‌کنندگان مأیوس می‌شود و آنان را به حال خود رها می‌کند؛ همچنین بر اساس دسته‌بندی زرکشی، انواع استفهام در شش مورد آیات پرسشی از نوع استرشادی، تحقیری، اکتفایی، تذکیری، عتابی و تقریری بیان شدند. آیات اظهاری در این سوره مبارکه بیشتر بیانگر خبر و اطلاع‌رسانی از گذشته و آینده است؛ همچنین تبشیر و انذار و تذکر و یادآوری را به شکلی حکیمانه، پندگونه و عبرت‌آمیز در کنار کنش‌های ترغیبی و تعهدی با چنان شیوایی ترکیب شده‌اند که تا عمق جان و اندیشه اثر می‌گذارند. کاربرد کنش‌ها به‌صورت تلفیقی در کنار یکدیگر در این سوره، بسیار هنرمندانه و حکیمانه زیبایی آفرینی شده است، به‌طوری‌که خداوند در کنار کنش تعهدی تهدید «وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ»، از تبشیر نیز استفاده کرده است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾». در پنج آیه‌ی ترغیبی در این سوره، خداوند در چهار آیه به حالت تهدید و انذار تکذیب‌کنندگان را خطاب قرار می‌دهد و در یک آیه خداوند با مؤمنین سخن می‌گوید که نشان‌دهنده‌ی حکمت حکیمانه‌ی خداوند در استفاده از این یک آیه است که به مؤمنین وعده‌ی

آرامش و بهشت را می‌دهد تا شاید تکذیب‌کنندگان ایمان آورند: «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا مِمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾». موقعیت زمانی و مکانی این سوره‌ی مکی موجبات تعهدی بودن لحن این سوره را فراهم کرده است. سوره‌های مکی بیشتر در اوایل هجرت پیامبر در مکه و برای تبشیر و انذار نازل می‌شده‌اند و همچنین به سبب موضوع و مضمون این سوره یعنی روز قیامت، این سوره بیشترین استفاده را از کنش تعهدی از نوع قسم، تهدید و قول و وعده را کرده است.

## منابع

- ابراهیمی، ابراهیم؛ دست‌رنج، فاطمه؛ عرب، منصوره؛ «واکاوی کنش‌های گفتاری در تبیین آموزه‌های اخلاقی و تربیتی دعای مکارم الخلاق»، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۹ ش.
- اقبال، ابراهیم؛ فرهنگ نامه علوم قرآن؛ دفتر تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۵ ش.
- الرزّکشی، بَدْرالدِّین مُحَمَّد بن عَبْدِ اللَّهِ؛ البرهان فی علوم القرآن؛ جزء الثانی، بیروت: دار المعرفه، ۱۹۹۱ م.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب زاده؛ «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا(ع) بر پایه نظریه کنش گفتار»؛ مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل‌ودوم، شماری پیاپی ۸۵/۲، ۱۳۸۹ ش.
- حسینی معصوم، سید محمد و عبدالله رادمرد؛ «تاثیر بافت زمانی-مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»؛ جستارهای زبانی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۲۴)، ۱۳۹۴ ش.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی؛ جلد دوم، ناهید - دوستان، ۱۳۷۶ ش
- ساجدی، ابوالفضل؛ «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، قسبات، سال ششم، شماره‌ی ۲۵، ۱۳۸۱ ش.
- ساسانی، فرهاد و زیرک محبوب؛ «بررسی کنش‌های کلامی تعزیه‌نامه و نمود آن در اجرا»، زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء، سال پنجم، شماره‌ی ۹، ۱۳۹۲ ش.
- صفوی، کورش؛ معنی‌شناسی کاربردی؛ چاپ دوم، تهران: همشهری، ۱۳۹۲ ش.
- فضائی، مریم و محمد نگارش؛ «تحلیل خطبه پنجاه‌ویکم نهج‌البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»؛ مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهل‌وسوم، شماره‌ی پیاپی ۸۶/۳، ۱۳۹۰ ش.
- کاظمی، فروغ؛ «جستاری در نهج‌البلاغه از منظر نظریه‌ی زبانی کارگفت»، صحیفه مبین، شماره‌ی ۵۵، سال بیستم، ۱۳۹۳ ش.
- Austin, J. L. (1962). How to Do Things with Words? Edited by J. O. Urmson & Marina Sbisà. Cambridge, Mass.: Harvard University Press. 2nd ed.1975.
- Saeed, Ibrahim. John. (2011). Semantics, third edition. Wiley-Blackwell Publishing Ltd.
- Searle, J. R. Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language, Cambridge University Press, Cambridge, New York and Melbourne, 1999.
- <http://quran.anhar.ir/>
- <https://quran.com/>
- [http://fa.wikishia.net/view/سوره\\_مرسلات](http://fa.wikishia.net/view/سوره_مرسلات)
- <http://lib.eshia.ir/26683/1/888>
- <http://lib.eshia.ir/41837/2/345> استفهام

